



**نگاهی به نمایش «رقص مرگ بی‌لایه» نوشته و کار یاسر خاسب (ایران و آلمان) اجراشده در جشنواره تئاتر فجر**

## تفسیر به تعداد تماشاگر



**حمید کاکاسلطانی**

**منتقد تئاتر ایران**

ساختار انتزاعی، تعلیقی مبهم را از منظر دیداری به وجود می‌آورد. تلفیق موسیقی ایرانی با موسیقی غربی نوعی هماوایی تاثیرگذار به همراه افکت‌های ویژه و هدفمند دراماتیک را ایجاد می‌کند.

پرسش اساسی این است که همه این عناصر در راستای چیست؟ و تا کجا می‌تواند مخاطب را با خود همراه نگه دارد؟ آنچه مبرهن است اینکه، اشیا و عناصر و نوع ترکیب‌بندی شامل تعامل بازیگران و سطوح صحنه و درنهایت حرکات موزون تقابل و تعارض بین مرگ و زندگی است. نمایش هیچ نشانه‌ای از ستیز بین قهرمان و ضدقهرمان با خود به همراه ندارد بلکه، در لایه زیرین تنها رویدادگاه مبارزه و بیس مرگ و زندگی و درنهایت بیان پیروزی حیات بر مرگ از طریق مبارزه و نشاط است.

حضور زن در سمت راست صحنه بسا لکه‌ای از نور روی او، نشان از نظارت نیروهای پنهانی بر همه اعمال آدمی و تلاش ناامیدانه برای استمرار زندگی دارد. کارگردان سعی کرده طبایع متضاد حیات آدمی چون: بلغم، صفرا، دمای و سودایی را در طبیعت و حیات با عناصری چون: آب، باد، خاک و آتش

که از زمان افلاطون و ارسطو فیلسوفان بزرگ قرن چهارم و پنجم قبل از میلاد در آیینی بدوی و پرمیو در جدال و کشمکش بین انسان و طبیعت هستند، روی صحنه به نمایش بگذارند.

در آغاز نمایش، بروز و حضور شخصیت از درون اسکلت سرد و تهی تصویری از جمجمه سر یک انسان را تداعی می‌کند. درواقع مجموع نشانه‌های دیداری در کنار سناری مولفنه‌های اجرایی نشان می‌دهد گروه اجرایی تلاش کرده مفاهیم و موضوع‌های موردنظرش را به‌صورت انتزاعی و آبسرتزه به نمایش بگذارد و در این مسیر، هدف بیش از آنکه تاثیر بر قوای منطقی و عقلانی مخاطب باشد، متوجه تاثیر گذاری بر ذهن و ناخودآگاه مخاطب بوده است.

به همین دلیل به نظر می‌رسد، همه تماشاگران نتوانند با مفاهیم پنهان در پس اجرا ارتباط برقرار کنند و آن را بفهمند. علت این امر این است که کارگردان نشانه‌هایی دال بر عین نمایی ندارد. بنابراین درک تصویری که مابه ازای اجتماعی و محیطی نداشته باشد، دشوار و مشکل است.

بازیگران «رقص مرگ» در صحنه این نمایش رفتاری بیومکانیکال و غیررنالیستی دارند. به همین جهت می‌توان

گفت که در این بخش شساید نمایش دچار نوعی دوگانگی شده است و از نظر شیوه اجرا ناخواسته گاهی به سمت شیوه شرقی با حرکات نرم و متعطف بازیگران و موسیقی شرقی نزدیک شده و گاهی هم مکانیکی و دفرمه و شکسته با حرکات تیز و تند و اشکال هندسی نشان داده است. بنابراین گروه اجرایی در اتخاذ چنین سبکی روی نغ نازکی حرکت کرده‌اند که داور نهایی آن تماشاگر است. درواقع اینکه آیا تماشاگر توانسته به جنبه مفهومی، فلسفی، سرگرمی یا آموزشی اثر برسد؟ و آیا توانسته با این نوع از اجرا که کاملا غیرواقعی است ارتباط برقرار کند؟ دآوری در مورد میزان و کیفیت اثر بخشی «رقص مرگ» را از سوی تماشاگر کامل می‌کند.

نمایش از صحنه‌های اثرگذار و زیبایی برخوردار است. برای نمونه می‌توان به صحنه پایانی و بازی با خاک مایکل اولفیک اشاره کرد که به خودی خود زیبا، دیداری و اثرگذار است. اما با وجود همه زیبایی‌هایی که در حرکات فرم بازیگران و بدن‌های انعطاف پذیرشان وجود دارد، به واسطه عدم‌ارتباط دراماتیک بین رویدادها و همچنین زیبایی مستقل جلوه‌های حرکتی بازی، متأسفانه درحد نمایش‌تصاویر درحد نمایش‌تصاویر ناپ و ستودنی باقی می‌مانند و در یک پیکره واحد هنری به نتیجه نمی‌رسند.

به نظر می‌رسد نمایش و گروه اجرایی نیز با همین هدف نمایش را تولید و اجرا کرده‌اند؛ اینکه به تعداد تماشاگران سالن برداشت‌های متفاوتی از اجرا داشته باشند و این ویژگی نمایش‌هایی از این نوع است.

## زنان و داستان جنگ



سال‌ها تلاش من در این عرصه است و با توجه به اینکه در رشته داستان‌نویسی تحصیل کرده‌ام، نوشتن چنین کتابی را ضروری می‌دانستم. مجموعه داستان دیگری با عنوان «موقعیت پری دریایی» در دست انتشار دارم. این اثر شامل ۲۷ داستان کوتاه است و قرار است از سوی نشر ثالث راهی بازار کتاب شود اما هنوز مجوز نگرفته‌است. همچنین کتاب «زنان و داستان جنگ» را از سوی انتشارات علمی فرهنگی راهی بازار کتاب خواهم کرد. این کتاب به نقش زنان پدیدآورنده در عرصه داستان جنگ می‌پردازد. در بخش اول این کتاب به حضور زنان در عرصه داستان‌کوتاه و رمان می‌پردازم. بخش دوم به موضوع «زن» در داستان‌های جنگ اختصاص دارد و بخش سوم کتاب هم نگاهی آماری به این دو موضوع دارد. در فصل سوم همچنین به تعداد و کم‌وکیف چاپ آثار داستانی نویسندگان زن در حوزه جنگ پرداخته‌ام. این اثر داستان‌های نویسندگان زن از ۲۰ سال پیش تاکنون را دربرمی‌گیرد و از این حیث اثری تازه است. (به نقل از ایبنا)

## # کمپانی آلمانی حق پخش «ژدها وارد می‌شود» را خرید

گروه ادب و هنر، کمپانی آلمانی میچ‌فکتوری که پخش‌کننده آثار کارگردان‌های مطرحی چون جیم جارموش و آگی کوریسماسکی است تا به‌حال حقوق پخش چهار فیلم حاضر در بخش مسابقه جشنواره برلین را خریداری کرده که یکی از آنها فیلم «ژدها وارد می‌شود» ساخته مانی حقیقی است. حقیقی این فیلم را تحت‌نام شرکت «دارک پریگر سرر پروداکشنز» با همکاری شرکت دیگری با عنوان «کراس فیدفیلمز» تهیه کرده است. «ژدها وارد می‌شود» علاوه‌بر اینکه در بخش مسابقه رسمی جشنواره برلین حضور دارد در بخش مسابقه سودای سیمرغ‌سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر پذیرفته شده و به نمایش درمی‌آید.

تام هنکس، جانی دپ و دنزل واشنگتن محبوب‌ترین بازیگران جهان

# اسطوره‌های جهان

گروه ادب و هنر، «بنیاد هریس» در یک نظرسنجی لیستی از بازیگران را در اختیار مخاطبان و عاشقان پرشور سینما قرار داد و بازیگر «پل جاسوس‌ها» توانست لقب محبوب‌ترین بازیگر جهان را برای خود کند. در این نظرسنجی ۲۲۰۰ بازیگر بزرگ سینما از مرد و زن

بودند که اکثر آنها شاغل در هالیوود هستند و در فیلم‌های بزرگی ایفای نقش کرده بودند. جالب است بعد از تام هنکس که چهار بار این افتخار مردمی را نصیب خود کرده است، جانی دپ حضور دارد که به روایت مجله «فوربس» و نقد



منتقدان در جایزه معتبر، بدترین و زیان‌ده‌ترین بازیگر سال گذشته میلادی بوده است. نکته جالب دیگر این است که این‌ دو بازیگر در سه جشنواره مهم آمریکا ازجمله: مراسم اسکار و گلدن گلوب کاندیدای بازیگری نشده‌اند و

## جشنواره صحنه‌ای تئاتر فجر

**آلمانی‌ها برای اجرای «هملت» هفت تن خاک به تالار وحدت بردند**

# اوستر‌مایر: تئاتر در برلین چندفرهنگی است

سنگین‌ترین طراحی‌صحنه در تئاتر ایران شکسته می‌شود. کف صحنه این نمایش مملو از خاک بود و نورهای مختلف رنگی در نقاط مختلف تعبیه شده بود که شیوه اجرایی کارگردان را نزدیک به کارهای پست مدرن می‌کرد. البته یک‌مشکل بسیار بزرگ در اجرای این گروه نمایشی پوشش بسیار سفت و سخت بازیگران زن آن بود

نمایش «هملت» به کارگردانی اوستر مایر آلمانی و گروه عریض و طویل او بالاخره پنجشنبه ۸ بهمن؛ یعنی چهار روز مانده به پایان جشنواره تئاتر فجر در تالار وحدت روی صحنه رفت. این اجرا، اولین اجرای این گروه آلمانی بود و دو اجرای دیگر باقی مانده است. اوستر مایر، کارگردان آلمانی که سال ۲۰۱۰ شیر طلایی بی نیتال ونیز و سال ۲۰۰۹ مامور فرهنگ در کشور فرانسه شلده بود، به محض رسیدن به ایران نماد تعزیه را از دست‌ان مدیر مرکز نمایشی ایران هدیه گرفت و هفت کاهيون مملسو از دکور و پروژکتور با خود به سالن وحدت آورد. فرانک کوکریتز، مسئول فنی و نور این گروه آلمانی به «فرهیختگان» گفت: «یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما این است که سالن وحدت در ایران مخصوص «اپرا» طراحی شده است، بنابراین این اصول نوپردازی تئاتر دور است. ما مجبور شدیم بسیاری از طراحی‌ها و دیزاین‌نوری این سالن را تغییر بدهیم تا به ایده‌آل مطلوب خود دست پیدا کنیم. ما در این نمایش از عناصر نمایشی نور و خاک بهره وافی برده‌ایم. جالب است بدانید که هفت تن خاک مخصوص بسرای طراحی‌صحنه و حدود ۱۰۰ پروژکتور برای طراحی نور مورد استفاده قرار گرفته است که با این حساب رکورد

## جشنواره خیابانی تئاتر فجر

**گفت‌وگو با کیوان نخعی، نویسنده وکارگردان نمایش**

# هیولای آلودگی ما را نابود می‌کند

در نمایش خیابانی «پسماندگان» به کارگردانی کیوان نخعی وسط صحنه یک غول بزرگ را با ترکیبی از پسماند آب معدنی می‌بینید که گویی بر

زندگی روزمره ما مردمان چیره شده و قدرت ایفونی خود را در گف‌وگو می‌کنند. این هشدار برای من بسیار مهم بود. همان‌طور که شما شاهد بودید یک بطری آب‌معدنی سه متری که میکروب‌ها به آن می‌چسبند، در صحنه داشتیم که به قول یکی از بازیگران نمایش، این هیولا شبیه به برج میلاد است. مساله بعدی ما تفکیک زباله‌ها بود. پسماندهای تر و خشک که زندگی ما را آلوده کرده است و پیام اصلی من هم همین هشدار به مردم بود.

ایده اصلی و مضمون محوری شما در این نمایش خیابانی که در محوطه تئاتر شهر به اجرا رفت، چیست؟

تئاتر خیابانی به نظر من یکی از مهم‌ترین انواع تئاتر است، به دلیل اینکه در دل مردم اجرا می‌رود. بنابراین هنرمند باید خیلی حواسش باشد. کارگردان باید اندیشه خود را به صورت یک کپسول یا یک تفکر فشرده به شکل ساده به انبوه تماشاگران ارائه دهد. داستان نباید پیچ‌درپیچ و عجیب باشد. در این نمایش

# ادب‌وهنر

www.Farheekhtegan.ir

Sun | 31 Jan 2016 | vol.07 | No. 1870

یکشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۴ | ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۲۷ | ۳۱ ژانویه ۲۰۱۶ | شماره ۱۸۷۰

## شعر

**نشستی برای شعر ترجمه‌های قاسم صنعتی**



گروه‌ادب‌وهنر، نشست بررسی گزیده شعر ترجمه‌های قاسم صنعتی در چند دهه گذشته، در کانون ادبیات ایران برگزار می‌شود. «بوسه‌های غمگین یک سرخیوست» گزیده ترجمه‌های قاسم صنعتی از شعرهای شاعران کشورهای مختلف جهان است که در ۵۰ سال گذشته، از این مترجم بنام و توانمند، در نشریه‌هایی چون: سخن، تماشا، خوشه، رودکی و در قالب کتاب‌هایی هم‌اکنون نایاب‌شده از او، منتشر شده است. این کتاب را انتشارات آرادمان در سال ۹۴ منتشر کرده است و نشست نقد و بررسی آن در قالب چهارصد و دهمین نشست کانون ادبیات ایران برگزار خواهد شد. در این نشست، مرتضی کاخی، علی عبداللهی، سعید آذین، شهرام میرشاکاک و علیرضا بهرامی، درباره این کتاب، ترجمه‌های قاسم صنعتی و خاطره‌های‌شان سخن خواهند گفت.

## موسیقی

**هم‌آوا با مولانا یونس امره و نیازی**



گروه‌ادب‌وهنر، نشست ویژه شهر کتاب درباره موسیقی و عرفان با حضور گسترده علاقه‌مندان به ادبیات و موسیقی، در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد. در این نشست گروه موسیقی عرفانی ترکیه با سرپرستی و آواز سداد آنا، چند قطعه موسیقی با اشعار مولانا، یونس امره، نیازی مصری و احمد سیوی اجرا کرد. علی اصغر محمدخانی در ابتدای این نشست به دادوستدهای فرهنگی ایران و ترکیه در دهه‌های گذشته اشاره کرد. محمدخانی به چهره‌های فرهنگی و عرفانی که در تاریخ ادبیات و شهران ترکیه نقش مهمی دارند، اشاره کرد و گفت: «شاعران و عارفانی چون یونس امره، نیازی مصری، احمد سیوی و... در ادبیات و عرفان و موسیقی این سرزمین بسیار تاثیرگذارند و بجااست که ما بسا آثار و اندیشه‌های این شخصیت‌ها بیشتر آشنا شویم و به همین منظور مرکز فرهنگی شهرکتاب در سال‌های گذشته چندین برنامه ازجمله «همایش سعیدی و یونس امره» را در تهران و شهرهای ترکیه برگزار کرده است.» در ادامه شامل اوچسال، رئیس مرکز فرهنگی یونس امره در ایران، در سخنان کوتاهی به روابط فرهنگی ایران و ترکیه اشاره کرد و گفت: «برای شناخت فرهنگ دو کشور باید گام‌های نوینی برداریم و ادبیات و هنر و به‌ویژه موسیقی حسن بلخاری، دیگر سخنران این برنامه، سخنان خود را با شعر نی‌نامه از مولانا آغاز و به رابطه موسیقی و عرفان و اهمیت این ارتباط اشاره کرد. سپس، گروه موسیقی عرفانی ترکیه به سرپرستی سداد آنا به اجرا پرداخت. آثار در آخرین قطعه خود، یکی از غزلیات دیوان شمس را با مطلع بازآمدم بازآمدم از پیش آن یار آمدم/ در من نگر در من نگر بهر تو غمخوار آمدم به زبان فارسی اجرا کرد. سداد آنا از سنتورنوازان ترکیه است که این ساز را از استادان ایرانی آموخته است و نخستین آلبوم تکنوازی خود را با نام «بلاغت» در ترکیه عرضه کرده و سپس دو آلبوم دیگر با نام‌های «اعماق خیال» و «شش نامبراست – در پی یونس امره» تولید کرده است.

لباس‌ها تا مچ دست باشد. ما وقتی به یک کشور می‌رویم، سعی می‌کنیم تمام قوانین آنجا را رعایت کنیم تا برای گروه و کل آن فستیوال مشکلی پیش نیاید. به ما گفته بودند که کار شما بسیار دیده می‌شود. از نظر فنی مهم‌ترین اتفاقی که برای خود نمایش افتاده این بود که نقش اوفیلیا و گرتورد را در هم تنیده کردیم. ما این تغییر را با استفاده از یک کلاه‌گیس طلایی نشان دادیم. در روزهای اول بازیگر ما با کمی مشکل مواجه بود، ولی بعد خود او می‌گفت باید روسری داشته باشد که محکم

برلین شهری فقط آلمانی نیست و مختصات جغرافیایی و فرهنگی خاص خودش را دارد. در این شهر ما با «چندملیسی»، «چندفرهنگی» و همچنین «چندزبانی» روبه‌رو هستیم. ما در اجراهای خود تلاش می‌کنیم این تفاوت‌ها و چندگانگی‌های فرهنگی را به نمایش بگذاریم و از آنها بهره بگیریم تا بتوانیم بیشترین مخاطب را جذب کنیم. ما می‌توانیم در بسیاری از کشورهای دنیا با قطعات نمایشی خود این چندگانگی فرهنگی را به نمایش بگذاریم. در واقع، تئاتر در برلین باید شکلی چندفرهنگی داشته باشد. ما در گروه خودمان فردی به نام «سیاستین» داریم که مادرش ایرانی و پدرش فرانسوی و حتی همسر سیاستین نیز فرانسوی است. بنابراین این اتفاق در گروه اجرایی ما هم افتاده است و ما گروهی «بینفرهنگی» را تشکیل داده‌ایم. رهبر این گروه آلمانی در پاسخ به اینکه چگونه گروه اجرایی خود را آماده و چه فرآیندی را در تمرین سپری کرده است، گفت: «ما در کشور هند نمایش «فولکس‌واینگ» را اجرا کردیم. مردم و هنرمندان هند بسیار به ما کمک کردند و راهنمایی‌های لازم را در این باره به عمل آوردند. اما در ایران شکل دیگری داشت. ما در سه زمینه تغییرات اعمال کردیم که با همراهی مسئولان بود. نوع پوشش، میزاسن و کلیت اجرا، تغییراتی بود که ما برای اجرا در ایران داشتیم.»

سختگیری در این زمینه به خرج بدهیم.»

اوستر مایر و گروه نمایشی او، در شهر برلین ساکن هستند. کشور آلمان، یکی از پیشروهای هنر تئاتر است. در این راستا شکل و شمایل فرهنگ در شهر برلین را



در عین حال شاهد طنزهای کلامی و رفتاری وافر هستیم. نظر شما دراین باره چیست؟

من سه نمایشنامه نوشته‌ام که دوستان در نقدهایشان گفته‌اند ابزورد است. هیچ‌وقت به ابزورد فکر نکرده‌ام، اما فکر می‌کنم شرایط زندگی ما ابزورد شده است و در من نویسنده رسوخ کرده است. بنابراین واژگان و ایده‌هایم به صورت ناخودآگاه شکل ابزورد به خود گرفته است. من نقدهای شما را خواندم و نمی‌توانم بگویم اشتباه می‌کنید؛ شاید چنین باشد و به صورت ناخودآگاه به این سمت رفته‌ام. در یک نمایش خیابانی شما باید ابتدا طرح جذاب و گیرایی داشته باشید و به همراه بازیگران خلاق و بداهه‌پرداز به یک متن

# فرهیختگان